

سعی در مقادیر توسعه یافته مسعی (طبقات فوقانی و تحتانی) از منظر مذاهب اسلامی

سید حمید جزایری*

عبدالصمد علی آبادی**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۴]

چکیده

به منظور توسعه مسعی، به دلیل محدودبودن مکان سعی، طبقات فوقانی و تحتانی در آن احداث شده است. این اقدام موجب ایجاد پرسش از مشروعیت سعی در مقادیر توسعه یافته شده که در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی به این پرسش، پاسخ داده می‌شود. طبقات فوقانی دو صورت دارد: گاه طبقات پایین‌تر از دو کوه صفا و مروه است و گاه بالاتر از آن. اگر طبقات پایین‌تر از دو کوه صفا و مروه باشد، بنا بر نظر بیشتر فقها سعی از این طبقات جایز است. اما اگر طبقات بالاتر از صفا و مروه باشد، فقها در حکم آن اختلاف دارند. در این باره پنج قول از فقهای فریقین نقل شده است: ۱. سعی از این طبقات صحیح است؛ ۲. سعی بر روی این طبقات صحیح نیست؛ ۳. سعی بر روی این طبقات در صورت ازدحام شدید جمعیت جایز است؛ ۴. احتیاط است، به این صورت که علاوه بر سعی از روی طبقات، باید نائب بگیرد تا از روی طبقه همکف سعی به جای آورد؛ ۵. توقف در حکم این مسئله. از میان این اقوال، قول سوم صحیح به نظر می‌رسد. طبقه زیرین نیز چون بین‌الجبلین است، سعی در آن بنا بر نظر بیشتر فقها صحیح است. تحقیق حاضر با تتبع در منابع مذاهب، به اقوال و ادله آنها می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: صفا، مروه، سعی، مسعی، سعی در طبقات فوقانی و تحتانی، مذاهب اسلامی.

* استادیار گروه قرآن و علوم حدیث جامعه المصطفی العالمیه quran.olum@chmail.ir
** دانشجوی دکتری مطالعات تطبیقی فقه مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول)

مقدمه

افزایش تعداد حجاج در سال‌های اخیر، که شمار آنها در حج به میلیون‌ها نفر می‌رسد، محدود بودن و گنجایش نداشتن اماکن حج و این تعداد از حاجی که موجب ازدحام شدید جمعیت و آزار و اذیت و گاه صدمات جبران‌ناپذیر می‌شود و گاهی هم به مرگ افراد می‌انجامد، باعث شد متولیان، اماکن مناسک حج را توسعه دهند.

یکی از این اماکن توسعه‌یافته محل سعی (مسعی) است که محدود بین دو کوه صفا و مروه است. مسعی به دو صورت توسعه یافته است: صورت اول توسعه عرضی مسعی است که در مقایسه با قبل حدوداً دو برابر شده است. صورت دوم توسعه به حسب ارتفاع، که با احداث چندین طبقه صورت گرفته است. این اقدام این پرسش را ایجاد کرده است که: آیا سعی در مقادیر توسعه‌یافته همان حکم مقادیر سابق را دارد و آیا از لحاظ شرعی، سعی در مقادیر توسعه‌یافته مشروع است؟ در این باره مباحث فقهی و مجادلات علمی متعددی صورت گرفت که از جمله می‌توان به چند اثر اشاره کرد: حدود الصفا والمروة التوسعة الحدیثیة: دراسة تاریخیة فقهیة اثر عبدالملک بن عبدالله بن دهیش؛ رفع الاعلام بادلّة جواز توسیع عرض المسعی المشعر الحرام اثر عوید بن عیاد المطرفی الحربی؛ توسعه المسعی عزیزمة لارخصة دراسة فقهیة، تاریخیة، بیئیة، جیولوجیة اثر عبدالوهاب أبراهیم ابوسلیمان؛ رسالة حول توسعه المسعی دراسة فقهیة، تاریخیة، و بیئیة تبحت عن مشروعیة اعمال التوسعة الجاریة فی الوقت الحاضر المسعی اثر جعفر سبحانی؛ و مقاله‌ای از هیئت کبار العلماء بالمملكة العربیة السعودیة با عنوان «حکم السعی فوق سقف المسعی».

البته در نوع این تحقیقات، مسئله از دیدگاه یکی از مذاهب فقهی تحلیل شده و تاکنون تحقیقی جامع با در نظر گرفتن نظر فقهای مذاهب اسلامی صورت نگرفته است. تحقیق حاضر در صدد پرکردن خلأ موجود است. اهمیت مطلب وقتی است که بدانیم برخی فقهای مذاهب اسلامی سعی در برخی مقادیر توسعه‌یافته را مشروع ندانسته‌اند، همچون برخی از هیئت کبار علمای سعودی و برخی فقهای امامیه که سعی در مقادیر توسعه‌یافته عرضی مسعی را جایز نمی‌دانند. همچنین قریب به اتفاق فقهای امامیه سعی از روی طبقات فوقانی مسعی را که بالاتر از صفا و مروه باشد جایز نمی‌دانند.

این نوشتار متکفل بررسی حکم سعی در همه مقادیر توسعه‌یافته مسعی نیست، بلکه آنچه مد نظر است بررسی حکم سعی در طبقات فوقانی و تحتانی است و به دنبال پاسخ به این پرسش است که نظر فقهای مذاهب درباره سعی از روی طبقات فوقانی و تحتانی چیست.

وضعیت کنونی مسعی

در حال حاضر، عرض مسعی چهل متر و متشکل از دو مسیر رفت و برگشت است. مسیر رفت به عرض بیست متر است و کسانی از آن استفاده می‌کنند که از صفا به سمت مروه می‌روند. مسیر برگشت نیز به عرض بیست متر و مربوط به کسانی است که از مروه به سمت صفا برمی‌گردند. مسعی در سه طبقه و یک زیرزمین بنا شده است (زیرزمین، همکف، طبقه اول و طبقه دوم) (ابن‌دهیش، ۱۴۲۹: ۸۵ و ۸۹). مجموع ارتفاع این طبقات ۹۵ متر است (همان: ۹۱).

نخستین کسی که بر روی مسعی سقف احداث کرد ملک حسین بن علی بن عون بود. او در شوال ۱۳۳۵ به سبب شدت نور خورشید و گرما چنین کرد. امتداد این سقف از مروه تا باب‌العباس بود (همان: ۵۹). در سال ۱۳۶۶ هجری قمری به امر ملک عبدالعزیز سقف مسعی بازسازی شد و امتداد آن به باب علی (ع) رسید (همان: ۶۱).

یکی از پژوهشگران تاریخ درباره تغییرات مسعی چنین می‌نویسد:

نخستین بار در سال ۱۳۴۵ ه.ش. مسعی سنگ‌فرش شد تا غبار آن سعی‌کنندگان و صاحبان مغازه‌های اطراف را آزار ندهد. پس از آن در زمان ملک سعود دیوارهای آن را سیمان کردند و به مرور با تعمیراتی که در سال‌های نخست قرن پانزدهم هجری در آن صورت گرفت، به شکل فعلی درآمد. بخشی از این فضا، محل کوه ابوقبیس است که از جای برداشته شد و بخش مهم‌تر آن، فضای شعب ابی‌طالب است که به مرور محل مسکونی شد و در این اواخر به خیابان و مغازه تبدیل شد و اخیراً به صورت یک میدان باز با سنگ‌فرش سفید برای نمازگزاران درآمده است. درباره اندازه‌های موجود در مسعی، تا پیش از تغییرات جدید باید گفت طول مسعی ۵/۳۹۴ و عرض آن ۲۰ متر بوده است. ارتفاع طبقه اول ۱۲ متر و ارتفاع طبقه فوقانی آن ۹ متر است. در تغییرات

جدید مسعی چند طبقه شده و طبقه‌ای نیز به عنوان زیرزمین ساخته شده است. به علاوه عرض آن دو برابر شده و بخش بیشتری از میدان بیرونی مسعی، داخل محدوده مسعی قرار گرفته است (جعفریان، ۱۳۸۹: ۱۲۳ و ۱۲۴).

حکم فقهی سعی خارج از حد فاصل دو کوه صفا و مروه

به اتفاق فقهای مذاهب اسلامی سعی در خارج از حد فاصل بین دو کوه صفا و مروه صحیح و مجزی نیست و باید تمام اشواط هفت‌گانه سعی بین صفا و مروه اعاده شود (حلی، ۱۴۱۲: ۴۰۸/۱۰؛ کاسانی حنفی، ۱۴۰۶: ۳۹۶/۴؛ ابن‌عبدالبر مالکی، ۱۴۰۰: ۳۶۸/۱؛ حوسنی، ۱۴۲۹: ۵۷؛ نووی شافعی، بی‌تا: ۷۶/۸؛ و ابن‌قدامة مقدسی، ۱۳۸۸: ۳۵۰/۳).

البته در دیدگاه برخی اندیشوران فقه مذهب شافعی خروج به مقدار کم از سعی به هنگام سعی، خللی در سعی وارد نمی‌کند (نووی شافعی، بی‌تا: ۷۶/۸). در هر حال مهم آن است که بنا بر اتفاق علمای مذاهب فقه اسلامی، سعی باید بین کوه صفا و مروه انجام شود تا صحیح باشد. بنابراین، سعی در نظر ایشان همان حد فاصل بین دو کوه صفا و مروه یا بین الجبلین است.

حکم سعی از طبقات فوقانی

طبقات فوقانی که بین صفا و مروه احداث شده به دو صورت قابل فرض است: فرض اول اینکه ارتفاع طبقات پایین‌تر از ارتفاع کوه صفا و مروه باشد؛ و فرض دوم آنکه ارتفاع طبقات بالاتر از کوه صفا و مروه باشد:

۱. حکم سعی از طبقات پایین‌تر از کوه صفا و مروه

از نظر اکثر فقهای مذاهب، سعی از طبقات فوقانی اگر بین صفا و مروه باشد جایز است (افتخاری گلپایگانی، ۱۴۲۸: ۴۲۵/۱؛ الشلعان، ۱۴۳۱: ۳۴۶؛ المصلح، ۱۴۲۸: ۳۳). موسوی خمینی در این باره می‌نویسد: «يجوز من الطبقة الفوقانية أو التحتانية لو فرض حدودها بشرط أن تكون بين الجبلين لا فوقهما أو تحتها» (موسوی خمینی، بی‌تا: ۴۳۸/۱). «(سعی) از طبقه فوقانی یا تحتانی، بر فرض احداث آنها، در صورتی جایز است که بین دو کوه (صفا و مروه) باشد نه بالای این دو کوه و نه زیر این دو کوه». این گروه معتقدند آنچه

شرط است استیعاب و دربرگرفتن تمام اشواط بین صفا و مروه است و در صورتی که سعی در ارتفاع پایین تر نسبت به صفا و مروه صورت گیرد، این شرط حاصل می شود و به تبع آن سعی نیز صحیح است. صاحبان این قول به ادله ذیل استناد می کنند:

۱.۱. سنت

در منابع حدیثی فریقین روایاتی دال بر جواز سعی سواره آمده است. در منابع امامیه روایات متعددی بر جواز این کار ذکر شده است، مثل این روایت که حلبی از امام صادق (ع) نقل کرده است: «سألته عن السعی بین الصفا والمروة علی الدابة، قال: «نعم، و علی المحمل»» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۵۵/۵). در منابع حدیثی اهل سنت نیز روایت در این باب بیان شده است. برای مثال در سنن نسائی روایتی وجود دارد دال بر اینکه پیامبر (ص) سوار بر مرکب خود، سعی به جای آورده است: «طَافَ بِالْبَيْتِ وَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ عَلَي رَاحِلَتِهِ» (الخراسانی النسائی، ۱۴۲۱: ۱۱۷/۴).

حال به اجماع فقهای امامیه سواره سعی کردن جایز است، حتی بدون عذر و در حال اختیار (نجفی، بی تا: ۴۲۳/۱۹). بحرانی می گوید: «فلو سعی راكبا جاز» (بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۶۸/۱۶). دلیل بر این حکم وجود روایات معتبر است (همان). مثل روایتی که از عمار از امام صادق (ع) نقل شده است که وی از حضرت پرسید: «قلت له: المرأة تسعی بین الصفا والمروة علی دابة أو علی بعیر قال: لا بأس بذلك، قال: و سألته عن الرجل یفعل ذلك قال: لا بأس به» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۹۷/۱۳). این روایت دلالت بر سعی سواره دارد.

فقهای شافعی نیز سعی سواره را جایز می دانند (ماوردی، ۱۴۱۴: ۱۶۱/۴). نووی در این باره می نویسد: «ان سعی راكبا جاز» (نووی شافعی، بی تا: ۶۴/۸). حنابله مثل امامیه و شافعی، سعی سواره در حال اختیار را صحیح می دانند (ابن قدامه مقدسی، ۱۴۰۴: ۵۱۷/۱). ابن مفلح چنین می نویسد: «إذا سعی راكبا أو محمولا، أجزأه» (ابن مفلح، ۲۰۰۳: ۲۰۰/۳).

مستند این جواز روایتی است که از جابر نقل شده است: «طَافَ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ) فِي حِجَّةِ الْوُدَاعِ عَلَي رَاحِلَتِهِ بِالْبَيْتِ، وَ بِالصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، لِيَرَاهُ النَّاسُ، وَ لِيَشْرِفَ وَ لِيَسْأَلُوهُ، فَإِنَّ النَّاسَ عَشَوُهُ» (قشیری نیشابوری، بی تا: ۹۲۷/۲). با توجه به این روایت که پیامبر (ص) دور خانه خدا و بین صفا و مروه در حالی که سوار بر مرکب خود بود، طواف کردند، پس سعی سواره جایز است.

اما حنفیه و مالکیه سعی سواره را در حال ضرورت جایز می‌دانند (الموسوعة الفقهية الكويتية، ۱۴۰۴: ۱۸/۲۵). از حنفی‌ها علاء‌الدین الکاسانی می‌نویسد: «وَإِنْ كَانَ قَادِرًا عَلَى الْمَشْيِ بِنَفْسِهِ فَحُمِلَ أَوْ رَكِبَ يَلْزِمُهُ الدَّمُّ؛ لَأَنَّ السَّعْيَ بِنَفْسِهِ عِنْدَ الْقُدْرَةِ عَلَى الْمَشْيِ، وَاجِبٌ فَإِذَا تَرَكَهُ فَقَدْ تَرَكَ الْوَاجِبَ مِنْ غَيْرِ عُدْرٍ فَيَلْزِمُهُ الدَّمُّ»؛ «و اگر (سعی‌گزار) بتواند خودش راه برود اما حمل یا سوار بر مرکب شود، لازم است قربانی کند، چون واجب است خود شخص به صورت پیاده‌روی سعی به جای آورد. پس اگر این واجب را ترک کند همانا او واجبی را بدون عذر ترک کرده است، لذا قربانی بر او لازم می‌شود» (علاء‌الدین الکاسانی، ۱۴۰۶: ۱۳۴/۲). از مذهب مالکیه خود مالک چنین گفته است: «لا يسعى أحد بين الصفا والمروة راكبا إلا من عذر»؛ «احدی بین صفا و مروه به صورت سواره سعی نکند مگر در حال عذر» (الأصحي المدني، بی‌تا: ۴۲۸/۱).

با وجود اینکه طبق نظر مذهب حنفی و مالکی سعی سواره جایز نیست مگر در صورت عذر و ضرورت، اما در حال حاضر و با وجود ازدحام، سعی سواره جایز است، چون ازدحام، خود ضرورت است که به موجب آن سعی سواره بنا بر نظر این دو مذهب نیز جایز می‌شود. با این توضیحات روشن می‌شود که در حال حاضر سعی سواره از نظر همه مذاهب جایز است، برخی با حکم اولی و برخی دیگر با حکم ثانوی.

این جواز بر این دلالت دارد که اساساً نیازی نیست کسی که در حال سعی است به صورت مستقیم به سطح زمین مسعی اتصال داشته باشد. پس همان‌طور که سعی بر روی مرکب جایز است، سعی بر روی طبقات فوقانی که ارتفاع آنها پایین‌تر از صفا و مروه است، نیز جایز است.

شباهت سعی سواره و سعی بر روی طبقات فوقانی در این است که هر دو غیرمستقیم به زمین اتصال دارند؛ یعنی حاجی به هنگام سعی به صورت مستقیم به سطح همکف مسعی متصل نیست، بلکه با واسطه متصل است.

۱.۲. تبعیت فضای مسعی از زمین مسعی

تبعیت یعنی «ارتباط و وابستگی چیزی (تابع) به چیزی (متبوع)» (شاهرودی، ۱۴۲۶: ۳۳۹/۲) به طوری که قابل انفکاک از غیر نیست (الموسوعة الفقهية الكويتية، ۱۴۰۴: ۹۳/۱۰). در

اصطلاح فقهی به معنای تبعیت چیزی از حکم یا عنوان شرعی چیز دیگر است (شاهرودی، ۱۴۲۶: ۳۳۹/۲).

فقهها در بحث توسعه مسجده الحرام معتقدند با توسعه این مسجد به تبع آن مطاف نیز توسعه می‌یابد. از امامیه، حلی در این باره می‌نویسد: «و لو اتسعت خطّة المسجد، اتسع المطاف» (حلی، بی‌تا: ۹۳/۸). بنا بر نظر وی، با توسعه مسجده الحرام مطاف نیز گسترش می‌یابد.

از اهل سنت، فقهای شافعی فتوا داده‌اند که هر وقت مسجده الحرام توسعه یابد، مطاف نیز وسیع‌تر می‌شود. جوینی شافعی می‌گوید: «ولو وسّعت خطّة المسجد، اتسع المطاف»؛ «اگر بخشی از مسجد وسیع شود، مطاف هم وسیع می‌شود» (الجوینی، ۱۴۲۸: ۲۸۷/۴). رافعی از دیگر عالمان این مذهب چنین آورده است: «لو اتسعت خطّة المسجد اتسع المطاف»؛ «اگر بخشی از مسجد توسعه یابد، مطاف هم توسعه می‌یابد» (الرافعی، بی‌تا: ۳۰۲/۷). گفتار نووی نیز شایسته ذکر است. او می‌گوید: «اتفق أصحابنا علی أنه لو وسع المسجد اتسع المطاف و صحّ الطواف فی جمیعها»؛ «فقهای ما (شافعیه) اتفاق دارند بر اینکه اگر مسجد وسیع شود، مطاف هم وسیع می‌شود و طواف در تمام مسجد صحیح است» (نووی شافعی، بی‌تا: ۳۹/۸). بنابراین، به اتفاق فقهای شافعی با توسعه مسجد، مطاف نیز وسعت می‌یابد و احکام مسجده الحرام به بخش‌های افزوده‌شده تسری پیدا می‌کند. استناد این فقها به وسعت مسجد و مطاف از زمان خلیفه عباسی به بعد است (همان). اینها می‌گویند در زمان مهدی عباسی مسجد بزرگ‌تر از زمان پیامبر (ص) شد و با این توسعه مطاف هم وسیع‌تر شد.

حنابله نیز به نحوی معتقدند با توسعه مسجده الحرام مطاف هم وسیع می‌شود و طواف در بخش‌های جدید صحیح است. یکی از اندیشوران حنبلی می‌نویسد: «أن یكون الطواف داخل المسجد وإن وسع»؛ «اینکه طواف داخل مسجد باشد، هرچند مسجد توسعه پیدا کرده باشد» (الحاجه: ۴۳۸)، چون با توسعه مسجد مطاف نیز گسترش می‌یابد، لذا طواف صحیح است.

دلیل اینکه با توسعه مسجده الحرام مطاف قهراً توسعه می‌یابد، تبعیت است. تبعیت یعنی چیزی با غیر خودش طوری مرتبط باشد که جداشدنی نیست (موسوعة الفقهية الكويتية، ۱۴۰۴: ۹۳/۱۰).

همچنین در بحث تبعیت فضا و پشت‌بام مسجد از مسجد، به تبعیت اشاره شده است. علاءالدین کاسانی می‌نویسد: «أَنَّ سَطْحَ الْمَسْجِدِ تَبِعَ لِلْمَسْجِدِ، وَ حُكْمُ التَّبَعِ حُكْمُ الْأَصْلِ» (الکاسانی، ۱۴۰۶: ۱/۴۴۵)؛ «پشت‌بام مسجد از مسجد پیروی می‌کند، و حکم تابع همان حکم اصل و متبوع است». برخی دیگر گفته‌اند: «پشت‌بام مسجد جزء مسجد است تا جایی از آسمان که دیده شود» (الزیلعی، ۱۳۱۳: ۱۶۸/۱).

یکی از عالمان شافعی معتقد است هیچ فرقی بین پشت‌بام و حیاط مسجد نیست: «لَا فَرْقَ بَيْنَ سَطْحِهِ وَ صَحْنِهِ وَ رَحْبَتِهِ الْمَعْدُودَةِ مِنْهُ» (شمس‌الدین رملی، ۱۴۰۴: ۲۱۶/۳). فقیه دیگر شافعی‌ها می‌گوید: «أَنَّ سَطْحَ الْمَسْجِدِ كَقَرَارِهِ»؛ «پشت‌بام مسجد مثل کف مسجد است» (الیمنی الشافعی العمرانی، ۱۴۲۱: ۲/۴۳۴).

ابن‌قدامه مقدسی، از فقهای حنابله، معتقد است پشت‌بام مسجد حکم مسجد را دارد. وی می‌نویسد: «لَوْ خَرَجَ الْمُعْتَكِفُ إِلَى سَطْحِ الْمَسْجِدِ كَانَ لَهُ ذَلِكَ؛ لِأَنَّ حُكْمَهُ حُكْمُ الْمَسْجِدِ» (ابن‌قدامه مقدسی، ۱۳۸۸: ۲/۵۴). به عبارت دیگر، هر حکمی که برای مسجد ثابت شود شامل پشت‌بام مسجد نیز می‌شود.

حلی پشت‌بام مسجد را جزء مسجد می‌داند (حلی، بی‌تا: ۲۹۵/۶). اما شهید اول سطح را جزء مسجد نمی‌داند (عاملی، ۱۴۱۳: ۲/۱۰۲). و صاحب کتاب *مذهب البارع* قول حلی را ترجیح داده است (اسدی، ۱۴۰۷: ۲/۱۰۰). لذا می‌توان گفت هرچند شهید اول پشت‌بام مسجد را جزء مسجد نمی‌داند، حلی پشت‌بام مسجد را جزء مسجد می‌داند و محقق حلی نیز قول علامه حلی را ترجیح می‌دهد.

این تبعیت در خصوص مسجدالحرام و پشت‌بام آن نیز صادق است. به عبارت دیگر، وقتی در مسجدالحرام طواف صحیح باشد به تبع آن در پشت‌بام آن نیز صحیح است.

و همین‌طور فضای بالای زمین حکم خود زمین را دارد و هر کس مالک خود زمین است، مالک فضای بالای آن نیز هست (اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة والافتاء، ۱۳۹۵، جزء ۱: ۱۷۹-۱۸۲).

از آنچه گفته شد استفاده می‌شود که اولاً با توسعه و افزودن طبقات به مسعی، به تبع آن مکان مسعی نیز توسعه می‌یابد و می‌توان در طبقات فوقانی مسعی انجام داد. ثانیاً هر حکمی که برای زمین مسعی جاری است، همان حکم برای سطح و طبقات فوقانی

مسعی اثبات می‌شود (المصلح، ۱۴۲۸: ۳۳). به عبارت دیگر، همان‌طور که سعی بر روی زمین صفا و مروه صحیح است، بر روی طبقات فوقانی که بین صفا و مروه احداث شده و فرض آن است که کمتر از صفا و مروه است هم صحیح است، چون فضای مسعی از زمین آن تبعیت می‌کند.

۱. ۳. قاعده تبعیت احکام از اسماء

یکی از قواعد مشهور بین علما قاعده «تبعیت احکام از اسماء» است. مراد از «تبعیت احکام از اسماء» آن است که حکم شرعی همواره تابع عنوان موضوعی است که در ادله احکام بیان شده است. یعنی تا هنگامی که عنوان مذکور در دلیل شرعی بر موضوع خارجی صدق می‌کند، حکم آن دوام دارد و با تغییر موضوع، به گونه‌ای که آن اسم بر موضوع صادق نباشد، حکم مزبور دیگر وجود نخواهد داشت (نراقی، ۱۴۱۷: ۲۰۵؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۱۷۸/۱). گفتنی است برخی اسامی که در یک دلیل شرعی موضوع حکم قرار گرفته، خصوصیتی ندارد و در واقع حکم مذکور برای موضوعی کلی است که اسم ذکرشده فقط یکی از مصادیق آن را معرفی می‌کند. در این صورت ما می‌فهمیم که این اسم معیار حکم شرعی نیست و مراد شارع موضوعی کلی و عام بوده است (همان).

به سعی در طبقاتی که در ارتفاع پایین‌تری نسبت به کوه صفا و مروه باشد، اطلاق سعی می‌شود. در نتیجه طبق قاعده تبعیت احکام از اسماء، این سعی صحیح است و حکم سعی بر روی همکف مسعی را دارد.

البته در برخی کتب امامیه به این قاعده اشاره شده است و در کتب اهل سنت نامی از آن یافت نشد.

۱. ۴. قیاس

قیاس بین سعی از طبقات فوقانی و طواف از طبقات فوقانی؛ همان‌طور که طواف از پشت‌بام و طبقات فوقانی مسجدالحرام که ارتفاع آنها پایین‌تر از کعبه باشد، صحیح است سعی از طبقات فوقانی پایین‌تر از صفا و مروه نیز صحیح است (الשלعان، ۱۴۳۱: ۳۶۴).

از احناف، ابن عابدین در شرح این قول مصنف: «أَنَّ مَكَانَ الطَّوَّافِ دَاخِلَ الْمَسْجِدِ ... أَوْ عَلَى سَطْحِهِ»؛ «مکان طواف داخل مسجد ... یا بر روی پشت بام آن است» (ابن عابدین، ۱۴۱۲: ۴۹۷/۲) می‌گوید طواف از پشت بام مسجد الحرام جایز است. از شافعیه، نیآوردی می‌گوید: «لَوْ طَافَ عَلَى سَطْحِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَجْزَأُ»؛ «اگر بر روی پشت بام مسجد الحرام طواف کند، این طواف برای او کفایت می‌کند» (ماوردی، ۱۴۱۹: ۱۴۹/۴). از حنابله نیز، ابن مفلح می‌نویسد: «و إن طاف على سطحه توجه الاجزاء كصلاته إليها» (ابن مفلح، ۱۴۱۸: ۲۰۱/۳).

از فحوای کلام فقهای معاصر امامیه می‌توان صحت طواف از طبقات پایین‌تر از کعبه را به دست آورد. هرچند برخی به صراحت تأکید کرده‌اند که اگر طبقات در مقایسه با کعبه ارتفاع کمتری داشته باشد، طواف صحیح است. سیستانی چنین فتوا می‌دهد: «چنانچه احراز شود که طبقه دوم بالاتر از کعبه است، طواف از بالا کفایت نمی‌کند» (محمودی، ۱۴۲۹: ۳۰۹). مفهوم گفتار وی این است که اگر طبقه دوم پایین‌تر از کعبه باشد طواف صحیح است. همین حکم در سعی هم جاری می‌شود، یعنی سعی از طبقات فوقانی پایین‌تر از صفا و مروه صحیح است (الشلعان، ۱۴۳۱: ۳۴۶).

گفتنی است با توجه به اینکه فقط قیاس منصوص العلة از دیدگاه امامیه حجت است، دلیل قیاس نمی‌تواند مستند قول فقهای امامیه برای صحت سعی از روی طبقات فوقانی باشد.

اشکال: اماکن عبادی حدود شرعی و احکام خاص خود را دارند، لذا قابل قیاس نیستند. چون با وجود نص، قیاس اجراکردنی نیست و غیرمعتبر است (شنقیطی، ۱۴۲۵: ۴۳/۱). به عبارت دیگر، آنچه نصوص شرعی تأکید می‌کند این است که سعی باید بین صفا و مروه انجام شود و حد صفا و مروه از لحاظ طولی و عرضی و ارتفاع آن مشخص است. و بنا بر قاعده «الغالب فی المقدرات الشرعية التحقیق»؛ «اکثر اندازه شرعی مبتنی بر تحقیق (دقت) است» (عاملی، بی‌تا: ۳۶۱/۱). و نیز قاعده «لا مسامحة فی التحدیدات»؛ «نقصان در اندازه (شرعی) راه ندارد» (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۲۵۱).

این دو قاعده دلالت دارند بر اینکه هر گاه از طرف شارع حکمی مقید به نوعی از اندازه‌های شرعی اعم از زمان، مکان، مقدار، مساحت یا تعداد مشخصی شد این تقید معتبر و محترم است و باید به طور دقیق رعایت شود. مطابق با این دو قاعده، هر گونه

نقصان و خلل در اندازه‌های شرعی مشخص شده نقض غرض شارع است و امتثال حکم بدون در نظر گرفتن اندازه‌ها رافع تکلیف نیست و از طرفی این اندازه باید به صورت دقیق رعایت شود و مبنای آن تحقیق است نه تقریب.

گفتنی است برخی از تحدیدات شرعی قابل زیاده و نقصان نیست و باید به همان میزان و مقداری که شرع معین کرده عمل کرد و تعدی، چه از زیاده و چه از منظر نقصان، صحیح نیست، مانند تعداد رکعات نماز فروض ارث و تعداد ضربه‌هایی که در حدود ذکر شده است. برخی دیگر تحدیداتی است که زیادکردن آنها ممنوع است، ولی نقصان آنها اشکال ندارد. به تعبیر دیگر، در حکم حداکثر لحاظ شده است و حداقل مد نظر نیست، مانند مدت مهلت دادن به مرتد برای توبه یا ایام خیار حیوان. قسم دیگر تحدیداتی است که برای بیان حداقل حکم آمده‌اند و نقصان آنها مجاز نیست، ولی زیادکردن آنها اشکال ندارد؛ مانند نصاب شهادت و تعداد غسلات در ولوغ کلب.

سعی بین صفا و مروه داخل در قسم اول است، یعنی قابل زیاده و نقصان نیست و باید به همان میزان و مقدار که شرع معین کرده عمل کرد. دلیل بر آن قاعده «الغالب فی المقدرات الشرعیة التحقیق» است (عاملی، بی‌تا: ۳۶۱/۱).

۲. حکم سعی در طبقات بلندتر از کوه صفا و مروه

در حال حاضر دو طبقه فوقانی بر روی مسعی احداث شده است. این طبقات قطعاً بین‌الجبلین نیست، زیرا سقف روئین، هفت یا هشت متر بالاتر از مروه است. فقها در حکم سعی بر روی این طبقات دچار اختلاف شده‌اند و اقوال متعددی در این باره ذکر شده است:

قول اول: سعی در طبقاتی که بالاتر از صفا و مروه هستند، مطلقاً صحیح است. بنا بر این دیدگاه، سعی بر روی این طبقات مطلقاً، یعنی در حال اختیار و در حال اضطرار، صحیح است (الشلعان، ۱۴۳۱: ۳۴۶؛ السکاكر، ۱۴۲۷: ۳۵). از ظاهر قول برخی از فقهای معاصر امامیه به نظر می‌رسد سعی بر روی طبقات فوقانی را مطلقاً صحیح می‌دانند: «سعی در طبقه دوم اگر احراز شود که بین صفا و مروه از بالای کوه صفا شروع و به بالای کوه مروه ختم می‌شود کافی است» (بهجت، ۱۴۲۴: ۱۴۱). از قید «بالای کوه صفا شروع و به بالای کوه مروه ختم می‌شود» فهمیده می‌شود که اگر مسعی در

ارتفاع بالاتری نسبت به جبلین باشد، در صورتی سعی صحیح است که ابتدا و انتهای طبقات منطبق با ابتدا و انتهای دو کوه صفا و مروه باشد. در جای دیگر، به صراحت فتوا به جواز سعی داده است (محمودی، ۱۴۲۹: ۳۸۹).

صاحب مذهب الاحکام نیز سعی از چنین طبقاتی را جایز می‌داند: «يجوز السعی فی الطبقة العليا- الموجودة فی عصرنا من المسعی» (سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۴/۱۳۰).

قائلان به این قول به ادله‌ای استدلال کرده‌اند، از جمله:

۲. ۱. اطلاق نصوص

آیه «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطُوفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ»؛ «صفا» و «مروه» از شعائر (و نشانه‌های) خدا است! بنابراین کسانی که حج خانه خدا یا عمره انجام می‌دهند، مانعی نیست که بر آن دو طواف کنند، و کسی که فرمان خدا را در انجام کارهای نیک اطاعت کند، خداوند (در برابر عمل او) شکرگزار، و (از افعال وی) آگاه است» (بقره: ۱۵۸). همچنین، روایاتی که بر وجوب سعی دلالت دارند، نظیر روایتی که معاویه بن عمار از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «عن أبي عبد الله (ع) - في حديث - قال: السعی بین الصفا والمروة فريضة»؛ «امام صادق (ع) فرمودند سعی بین صفا و مروه واجب است» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۶۷/۱۳). همگی اطلاق دارند، یعنی هم شامل سعی بر روی سطح زمین می‌شود و هم بر روی طبقات (سبزواری، ۱۴۱۳: ۴۶۷/۱۳). به عبارت دیگر، آنچه نصوص از سعی‌کنندگان می‌خواهد این است که سعی آنها بین صفا و مروه از صفا شروع و به مروه خاتمه یابد، اما نصوص اشاره‌ای ندارند به اینکه سعی‌کننده، روی زمین سعی انجام می‌دهد یا روی طبقات، یا اینکه در فضایی سعی انجام شود که پایین‌تر از کوه صفا و مروه باشد یا بالاتر از آنها. از این اطلاق می‌فهمیم که اگر این مسئله برای شارع مهم بود، حتماً بیان می‌کرد، مگر آنکه مقدمات حکمت را تمام ندانیم و بگوییم آیه و روایات ناظر به اصل وجوب سعی است نه بیان خصوصیات و شرایط آن از جهت ارتفاع.

۲. ۲. عرف

اگر کسی بر روی طبقاتی که بالاتر از صفا و مروه احداث شده سعی به جای آورد

از نظر عرف سعی بین صفا و مروه تحقق پیدا کرده است. سبزواری می‌گوید: «لتحقق السعی بین الصفا والمروة عرفا و لکنه خلاف الاحتیاط» (همان). همان‌طور که از عبارت به دست می‌آید محقق سبزواری سعی بر روی این طبقات را صحیح، ولی خلاف احتیاط می‌داند.

۲. ۳. قیاس

قیاس کردن سعی از طبقات بالاتر از صفا و مروه با صحت طواف از طبقات و پشت‌بام مسجد الحرام که بالاتر از کعبه هستند، مقایسه می‌شود. ابن‌عابدین حنفی می‌گوید: «وَلَوْ مُرْتَفِعًا عَلَى الْبَيْتِ ... أَنْ مَكَانَ الطَّوَّافِ دَاخِلَ الْمَسْجِدِ» (ابن‌عابدین، ۱۴۱۲: ۴۹۷/۲). بنا بر نظر ابن‌عابدین، طواف از بالای پشت‌بام مسجد الحرام، حتی اگر بالاتر از کعبه باشد، صحیح است. فقیه شافعی‌ها، یعنی شمس‌الدین رملی، نیز می‌گوید طواف از پشت‌بام مسجد الحرام که بالاتر از کعبه باشد صحیح است: «أَوْ طَافَ عَلَى سَطْحِ الْمَسْجِدِ وَإِنْ ارْتَفَعَ عَلَى الْبَيْتِ» (شمس‌الدین الرملی، ۱۴۰۴: ۲۸۳/۳). هرچند برخی از فقهای شافعی مخالفت کرده‌اند، اما نووی، فقیه معروف این مذهب، قول کسانی را که معتقد به صحت طواف هستند صحیح می‌داند (نووی شافعی، بی‌تا: ۳۹/۸).

حال وقتی طواف صحیح است، پس سعی هم صحیح است.

همچنین، با نماز از روی کوه ابوقبیس قیاس شده است؛ به این بیان که نماز از بالای کوه ابوقبیس که ارتفاع بیشتری در مقایسه با کعبه دارد صحیح است (همان)، پس سعی بالاتر از کوه صفا و مروه نیز صحیح است. چون فضا تابع زمین است و هر حکمی که زمین دارد فضا هم دارد (السکاکر، ۱۴۲۷: ۳۶). به صحت رمی جمرات به صورت سواره نیز قیاس کرده‌اند (الشلعان، ۱۴۳۱: ۳۶۵).

اشکال: علاوه بر اصل صحیح‌نبودن قیاس در فقه، اماکن عبادی حدود شرعی و احکام خاص خود را دارند، لذا قابل قیاس نیستند، چون با وجود نص، قیاس قابل اجرا نیست و غیرمعتبر است (الشفیطی، ۱۴۲۵: ۴۳/۱).

قول دوم: سعی مطلقاً صحیح نیست.

برخی فقهای امامیه در پاسخ به این پرسش که «اگر در طبقه پایین (به دلیل تعمیرات یا غیر آن) سعی امکان‌پذیر نباشد، مُحرم به احرام عمره مفرده چه وظیفه‌ای دارد؛ آیا

سعی از طبقه بالا صحیح است؟» فتوا داده‌اند که سعی مجزی نیست. برای مثال سیستانی می‌گوید: «اگر طبقه دوم بالاتر از یکی از دو کوه صفا و مروه باشد سعی از آن صحیح نیست و محرم به عمره مفرده تا هنگام رفع مانع از سعی در مسعی بر احرامش باقی می‌ماند، مگر آنکه عرفاً مصدود محسوب شود که در این صورت حکم مصدود در عمره مفرده بر او جاری است» (محمودی، ۱۴۲۹: ۳۸۹). همان‌طور که روشن است، پرسش ناظر به مقام ضرورت است و شخص به واسطه وجود مشکل در طبقه اول توانایی سعی بر روی آن را ندارد. با وجود این فتوا داده شده است که سعی در طبقات فوقانی که حتی یک طرف مسعی هم ارتفاع بیشتری نسبت به صفا یا مروه داشته باشد، سعی صحیح نیست. و نیز موسوی خمینی در بحث سعی از طبقات فوقانی می‌نویسد: «يجوز من الطبقة الفوقانية أو التحتانية لو فرض حدودها بشرط أن تكون بين الجبلين لا فوقهما أو تحتها» (موسوی خمینی، بی‌تا: ۴۳۸/۱). طبق این نظر، اگر این طبقات بین دو کوه باشند می‌توان بر روی آنها سعی به جای آورد و سعی صحیح است؛ مفهوم این جمله آن است که اگر این طبقات بین الجبلین نبود سعی بر روی آنها صحیح نیست.

شنقیطی، از عالمان سلفی، سعی بر روی این طبقات را صحیح نمی‌داند. وی می‌نویسد: «أنا لا نرى جواز تعدد المسعى و إباحة السعى فى مسعين: مسعى أسفل، و مسعى أعلى» (الشنقیطی، ۱۴۲۵: ۴۳/۱).

این دسته به این ادله استناد کرده‌اند:

الف. طبقات بین الجبلین نیست

سعی در مسعای جدید، یعنی طبقات فوقانی، سعی خارج از مکان سعیی است که نصوص بر آن دلالت دارند (همان: ۴۷). زیرا در نصوص به صراحت آمده است که سعی «بین الجبلین» باشد با لفظ «بین»، حال آنکه سعی بر روی این طبقات، سعی از «فوق الجبلین» است با لفظ «فوق». به عبارت دیگر، آنچه نصوص خواسته‌اند سعی بین دو کوه صفا و مروه است، نه سعی بالای این دو کوه.

اشکال: در صورتی که طبقه همکف به واسطه تعمیرات یا هر دلیل دیگری مصدود شد، تکلیف سعی چه می‌شود؟ بنا بر این نظر، حج باید تعطیل شود، حال آنکه حج تعطیل بردار نیست.

پاسخ: قائلان به این قول هم معتقدند حج تعطیل نمی‌شود، بلکه همان‌طور که سیستانی فتوا داده است در این صورت حکم مصدود در عمره مفرده بر او جاری است (محمودی، ۱۴۲۹: ۳۸۹). حکم مصدود در عمره مفرده این است که اگر قربانی به همراه آورده باشد، جایز است با کشتن قربانی‌اش در همان جایی که جلوی او سد شده است از احرام بیرون رود (اسدی حلی، ۱۴۱۴: ۴۸۸/۸).

ب. فعل پیامبر

پیامبر (ص) پیاده یا سواره بین صفا و مروه سعی انجام می‌دادند و خود آن حضرت فرمودند: «خذوا عنی مناسککم» (بیهقی، ۱۴۱۴: ۱۲۵/۵). لذا تعدی از فعل رسول خدا جایز نیست و باید در همان محدوده سعی به جای آورد و سعی از روی طبقات فوقانی تعدی از فعل آن حضرت است و جایز نیست (الشقیطی، ۱۴۲۵: ۴۷/۱). البته می‌توان این دلیل را چنین پاسخ داد که در آن زمان موضوع سعی از طبقات فوقانی مُبتلابه و مطرح نبوده است و فعل پیامبر دلیل بر منع غیر آن نمی‌شود.

قول سوم: سعی بر روی این طبقات در حال ضرورت صحیح است.

برخی از فقهای معاصر امامیه سعی بر روی طبقات بالاتر از صفا و مروه را در حال ضرورت جایز می‌دانند (محمودی، ۱۴۲۹: ۳۸۹). همچنین، گفته‌اند: «سعی در طبقه دوم که از دو کوه صفا و مروه بلندتر است، صحیح نیست و اگر به علتی سعی در طبقه پایین ممکن نشد، سعی را در طبقه دوم انجام دهد» (سبحانی، ۱۴۲۸: ۱۲۴). نیز این قول اکثر هیئت کبار علمای سعودی نیز هست. چنانچه در این باره آمده است: «و بعد تداول الرأی والمناقشة انتهى المجلس بالأكثرية إلى الافتاء بجواز السعي فوق سقف المسعى عند الحاجة بشرط استيعاب ما بين الصفا والمروة» (اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والافتاء، ۱۳۹۵، جزء ۱: ۱۹۴). بر این اساس، اگر به واسطه ازدحام شدید کسی نتوانست در طبقه همکف سعی انجام دهد، می‌تواند سعی را در طبقه دوم، که بالاتر از صفا و مروه است، به جای آورد.

دلیل

برخی از قواعد فقهی هستند که از آنها احکام ثانویه استنباط می‌شود، از جمله

این قواعد قاعده لاجرح است که به موجب آن هر حکمی که دارای حرج و مشقت باشد از ناحیه شرع برداشته شده است (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۲۹۶). قاعده دیگر لاضرر است. این قاعده از قواعد مشهور فقهی است که طبق آن احکام ضرری در دین اسلام نفی شده است (همان: ۲۴۳). بنا بر این قاعده، سعی از طبقه همکف، در صورت ازدحام شدید که موجب عسر و حرج و ضرر است، از ناحیه شرع نفی شده است. اما اصل سعی تعطیل و ترک نمی‌شود، زیرا قاعده دیگری با عنوان قاعده میسور «المیسور لاتسقط بالمعسور» وجود دارد که مفهومش آن است که وقتی شارع به چیزی که مرکب از اجزا و شرایط و موانعی است، امر کند و انجام دادن برخی اجزا و شرایط آن واجب یا ترک برخی از موانع آن مقدور مکلف نباشد، وجوب مابقی اجزا و شرایط، باقی است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۲۷/۴). پس وقتی سعی در همکف با وجود ازدحام شدید موجب عسر و حرج می‌شود و سعی کنندگان به هنگام سعی به جای اینکه یاد خدا باشند باید به فکر نجات خود از زیر فشار ازدحام و صدمه ندیدن باشند، و خداوند سعی به همراه عسر و حرج را برای بندگان تشریح نکرده است، و نیز با توجه به قاعده میسور، یک واجب به سبب انجام ندادن برخی شرایط آن، ساقط نمی‌شود و به هر مقدار که مقدور مکلف باشد، باید انجام شود. لذا در صورتی که شخص توان انجام سعی بر روی سطح زمین ندارد باید از روی طبقات فوقانی عمل سعی را انجام دهد و نمی‌توان سعی را ترک کرد.

قول چهارم: احتیاط

برخی فقها سعی از طبقات بالا به هنگام ازدحام را جایز می‌دانند، اما از باب احتیاط، گرفتن نایب برای سعی کردن از طبقه همکف را لازم دانسته‌اند:

سعی از طبقه بالا، که امروز ساخته شده و بالاتر از دو کوه صفا و مروه قرار دارد، اشکال دارد؛ مگر اینکه بر اثر ازدحام یا غیر آن، نتواند از طبقه پایین سعی را به جا آورد، در این صورت سعی در طبقه بالا جایز است، و احتیاط این است که در این صورت برای طبقه پایین هم نایب بگیرد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶: ۲۳۹).

سعی در مقادیر توسعه یافته سعی (طبقات فوقانی و تحتانی) از منظر مذاهب اسلامی / ۱۰۱

اشکال: سعی بر همه سعی کنندگان همراه با عسر و حرج است. به عبارت دیگر، حرج نوعی است نه شخصی، و در صورتی نائِب گرفتن واجب است که حرج شخصی باشد نه نوعی (سبحانی، ۱۴۲۴: ۱۰۹/۴).

قول پنجم: توقف در حکم این مسئله

برخی عالمان اهل سنت در جایز بودن یا نبودن سعی از روی این طبقات، به دلیل ناتمام دانستن ادله طرفین، در حکم توقف کرده‌اند و در این باره فتوا نداده‌اند (هیئة کبار العلماء، ۱۴۲۵: ۴۰).

بنابراین، از آنچه گذشت به نظر می‌رسد قول سوم، پذیرفتنی‌تر است؛ قول اول پذیرفتنی نیست، چون اجماع فقهای اسلام بر این است که تمام اشواط سعی در حال اختیار بین مسعای معروف باشد (سندی، بی‌تا: ۲ و ۱۶) و نمی‌توان پذیرفت که سعی در خارج از مسعای معروف در حال اختیار جایز باشد. قول دوم نیز رد می‌شود، چون اگر سعی در طبقه همکف به دلیل تعمیرات میسر نبود، بنا بر این نظر که سعی از طبقات بالا حتی در صورت ضرورت جایز نیست، حکم مصدود جاری می‌شود و همان‌طور که گفته شد حاجی با ذبح قربانی از حج خارج می‌شود و بقیه اعمال حج رها می‌گردد که در واقع به نوعی حج تعطیل می‌شود. قول چهارم هم به دلیل عسر و حرج نوعی پذیرفتنی نیست. قول پنجم که توقف است، پذیرفتنی نیست. چون هر واقعه‌ای حکمی دارد. و قول سوم با توجه به ادله، صحیح به نظر می‌رسد، چون از طرفی سعی از طبقه همکف در صورت ازدحام جمعیت باعث عسر و حرج و ضرر بر مکلفین است. از طرف دیگر، نمی‌توان سعی را به کلی رها کرد، چون قاعده میسور جلوی آن را می‌گیرد، لذا وقتی سعی در طبقه همکف در توان مکلف نبود، انجام دادن آن در طبقات فوقانی جایز است.

حکم سعی از طبقه زیرین (تحتانی)

در این باره دو قول اصلی وجود دارد:

قول اول: جواز سعی

بنا بر نظر فقها، در صورتی که طبقه زیرین بین دو کوه باشد سعی صحیح است

(محمودی، ۱۴۲۹: ۳۰۹). موسوی خمینی چنین نگاشته است: «يجوز من الطبقة الفوقانية أو التحتانية لو فرض حدوثها بشرط أن تكون بين الجبلين لا فوقهما أو تحتهما» (موسوی خمینی، بی تا: ۴۳۸/۱). اما مکارم شیرازی بعد از جواز سعی از طبقات زیرین، در صورتی که بین کوه صفا و مروه است، از باب احتیاط گفته است حتی الامکان از طبقه همکف سعی انجام شود: «اگر طبقه زیرزمینی درست شود، و کوه صفا و مروه ریشه دار باشد، و سعی بین آن دو کوه واقع شود، صحیح است، ولی احتیاط آن است که حتی الامکان از طبقه همکف سعی کند» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶: ۲۲۹). با توجه به اینکه کوه استحکام و میخ زمین است، ریشه دارد و ریشه آن در زیر زمین غالباً بیشتر از آن مقداری است که در روی زمین است. در نتیجه سعی از طبقه زیرین صحیح است. علاوه بر آن، در طبقه زیرین هم ریشه کوه مشهود است. لذا در حال اختیار هم می توان در طبقه زیرین سعی انجام داد.

اشکال: آنچه ما مکلف به آن هستیم سعی از ظاهر مسعی و روی زمین است نه سعی از زیر زمین. بنابراین، اگر کسی در طبقه زیرین سعی انجام دهد به تکلیف خود عمل نکرده است.

پاسخ: آنچه از اطلاق نصوص (بقره: ۱۵۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۶۷/۱۳) و اتفاق فقهای مذاهب اسلامی (حلی، ۱۴۱۲: ۴۰۸/۱۰؛ الکاسانی الحنفی، ۱۴۰۶: ۳۹۶/۴؛ ابن عبدالبر مالکی، ۱۴۰۰: ۳۶۸/۱؛ حوسنی، ۱۴۲۹: ۵۷؛ نووی شافعی، بی تا: ۷۶/۸؛ ابن قدامه مقدسی، ۱۳۸۸: ۳۵۰/۳) استفاده می شود این است که سعی باید بین الجبلین انجام شود و طبقه زیرین هم به سبب امتداد کوه صفا و مروه بین الجبلین قرار دارد.

قول دوم: جایز نبودن سعی

شنقیطی معتقد است سعی از طبقات زیرین جایز نیست: «أنا لا نرى جواز تعدد المسعى و إباحة السعى في مسعين: مسعى أسفل، و مسعى أعلى» (الشنقیطی، ۱۴۲۵: ۴۳/۱). دلیل وی این است که اولاً رسول خدا (ص) فقط بر روی سطح زمین مسعی سعی به جای آوردند و ما هم مکلف هستیم به همان صورت سعی انجام دهیم. ثانیاً سعی بین الجبلین نیست، حال آنکه گفته شد طبقه زیرین بین الجبلین است. مگر آنکه گفته شود در عهد پیامبر اکرم (ص) مسئله سعی از طبقه زیرین مطرح نبوده و لذا فقدان فعل پیامبر در این زمینه دلیل خاص نمی شود.

سعی از طبقه تحتانی (زیرین) یا فوقانی (بالایی)

در فرضی که در طبقه همکف به واسطه ازدحام شدید نتوان سعی انجام داد، این پرسش را می توان مطرح کرد که: آیا سعی در طبقه زیرین جایز است یا در طبقات دوم و سوم که فوق همکف احداث شده، یا اینکه شخص مخیر بین طبقات زیرین و طبقات فوقانی است؟ ظاهراً هیچ کس به این پرسش پاسخ نداده است مگر جوادی آملی، که در پاسخ به این پرسش که آیا سعی در طبقه زیر زمین و طبقه سوم و چهارم ... جایز است، می نویسد: «۱. سعی در طبقات مذکور جایز است، ۲. سعی در طبقات فوق زمین مقدم بر سعی در طبقه زیر زمین است» (جوادی آملی، ۱۳۹۵). بنا بر این نظر، اگر امر دائر بین سعی از طبقات زیر زمین و طبقات فوقانی (بالا) شد، سعی از طبقات فوقانی مقدم است و بعد از آن نوبت به سعی در طبقات زیر زمین می رسد.

فتوای فوق در صورتی است که طبقه زیرین قطعاً بین دو کوه صفا و مروه است، اما طبقات فوق زمین مثل طبقه سوم قطعاً بین الجبلین واقع نشده است.

نتیجه

علاوه بر مشروعیت سعی از طبقه همکف، سعی در طبقات زیرین یا فوقانی چنانچه بین صفا و مروه باشد، بنا بر نظر اکثر فقها صحیح است. در غیر این صورت در سعی از طبقات بالاتر از صفا و مروه پنج قول مطرح شده است. برخی توقف در حکم کرده اند و برخی دیگر احتیاط؛ بعضی در هر حال حتی در صورت اضطرار آن را ممنوع دانسته اند و برخی در هر حال حتی در فرض اختیار آن را مجاز دانسته اند، ولی قول صحیح آن است که در حال اختیار باید از طبقه همکف سعی را انجام داد و سعی از طبقات فوقانی فقط در حال اضطرار به دلیل قاعده نفی عسر و حرج مجاز است.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: مدرسه الامام علی ابن ابی طالب.
- ابن دهیش، عبدالملک بن عبدالله (۲۰۰۸/۱۴۲۹). *حدود صفا التوسعة الحدیثیة دراسة تاریخیة فقهیة*، مکه المکرمة: مکتبة الاسدی.
- ابن عبدالبر مالکی، أبو عمر یوسف بن عبد الله بن محمد (۱۴۰۰). *الکافی فی فقه أهل المدینة*، مکتبة الریاض الحدیثة.

ابن قدامه مقدسی، أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد (١٣٨٨). المعنى، بی‌جا: مكتبة القاهرة.

ابن قدامه مقدسی، أبو محمد موفق الدين عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة الجماعلي المقدسی ثم الدمشقي الحنبلي (١٤٠٤/١٩٩٤). الكافي في فقه الامام أحمد، بی‌جا: دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى.

ابن مفلح، أبو إسحاق برهان الدين إبراهيم بن محمد بن عبد الله بن محمد (١٤١٨/١٩٩٧). المبدع في شرح المقنع، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى.

اسدی (محقق حلّی)، جمال الدين احمد بن محمد (١٤٠٧). المهذب البارع في شرح المختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول
اسدی حلّی، حسن بن يوسف بن مطهر (١٤١٤). تذكرة الفقهاء (ط- الحديثة)، قم: مؤسسة آل البيت (ع)، چاپ اول

الأصبحي المدني، مالك بن أنس بن مالك بن عامر (بی‌تا). المدونة الكبرى، (المحقق زكريا عميرات)، بيروت: دار الكتب العلمية.

افتخاری گلپایگانی، علی (١٤٢٨). آراء المراجع في الحج (بالعربية)، قم: نشر مشعر، چاپ دوم.
بحرانی (آل عصفور)، يوسف بن احمد بن ابراهيم (١٤٠٥). الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ اول
البصری البغدادي الماوردي، أبو الحسن علی بن محمد بن محمد بن حبيب (١٤١٤/١٩٩٤). الحاوي في فقه الشافعي، بيروت: دار الكتب العلمية، الطبعة الأولى.

بهجت، محمدتقی (١٤٢٤). مناسک حج و عمره، قم: شفق، چاپ سوم.
البيهقي، أحمد بن الحسين بن علی بن موسى أبو بكر (١٤١٤/١٩٩٤). سنن البيهقي الكبرى، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا، مكة المكرمة: مكتبة دار الباز.

جعفریان، رسول (١٣٨٩). آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران: مشعر.
جوادی آملی، عبدالله (١٣٩٥). «مناسک حج»، ش ١٢٥، در: <http://javadi.esra.ir>
الجوينی، أبو المعالی عبد الملك بن عبد الله بن يوسف بن محمد (١٤٢٨). نهاية المطالب في دراية المذهب، جدة: دار المنهاج.

حرّ عاملی، محمد بن حسن (١٤٠٩). وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول
حسینی مراغی، سید میر عبد الفتاح بن علی (١٤١٧). العناوين الفقهية، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم.

حلّی، حسن بن يوسف (١٤١٢). منتهی المطالب في تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیة، الطبعة الاولى.

الحوسنی، جابر بن علی (١٤٢٩). المباحث المفيدة في تحديد عرض المسعى و حكم توسعته الجديدة، بی‌جا: بی‌نا.

سعی در مقادیر توسعه یافته مسعی (طبقات فوقانی و تحتانی) از منظر مذاهب اسلامی / ۱۰۵

الخراسانی النسائی، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي (۱۴۲۱). السنن الكبرى للنسائی، المحقق: حسن عبد المنعم شلبي، بيروت: مؤسسة الرسالة.

الدمشقي الحنفي (ابن عابدين)، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز عابدين (۱۴۱۲/۱۹۹۲). رد المختار على الدر المختار (حاشية ابن عابدين)، بيروت: دار الفكر.

الرافعي القزويني، عبدالكريم بن محمد (بي تا). فتح العزيز بشرح الوجيز، بيروت: دار الفكر. الزيلعي الحنفي، فخر الدين عثمان بن علي بن محجن البارعى (۱۳۱۳). تبين الحقائق شرح كنز الدقائق و حاشية الشلبي، الحاشية: شهاب الدين أحمد بن محمد بن أحمد بن يونس بن إسماعيل بن يونس الشلبي، القاهرة: المطبعة الكبرى الأميرية - بولاق، الطبعة الأولى.

سبحاني، جعفر (۱۴۲۴). الحج في الشريعة الإسلامية الغراء، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول. سبحاني، جعفر (۱۴۲۸). مناسك حج و احكام عمره (سبحاني)، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، چاپ اول. سبزواری، سيد عبد الأعلى (۱۴۱۳). مهذب الأحكام (للسبزواری)، قم: مؤسسه المنار، چاپ چهارم. السكاكر، عبد الله بن حمد (۱۴۲۷). نوازل الحج، بی جا: بی نا.

سندی، صالح بن عبد العزيز بن عثمان (بی تا). كلمة الحق في توسعه المسعی، بی جا: بی نا. شاهرودی، سيد محمود (۱۴۲۶). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بيت (ع)، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.

الشلعان، علی بن ناصر (۱۴۳۱). النوازل في الحج، الرياض: دار التوحيد للنشر. شمس الدين الرملي، محمد بن أبي العباس أحمد بن حمزة شهاب الدين (۱۴۰۴). نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج، بيروت: دار الفكر.

الشنقيطي، محمد الأمين (۲۰۰۴/۱۴۲۵). «وجهة نظر لفضيلة الشيخ محمد الأمين الشنقيطي»، در: أبحاث هيئة كبار العلماء السعودية: بی نا، ج ۱.

طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷). تهذيب الأحكام، تهران: دار الكتب الإسلامية، چاپ چهارم. عاملی (شهيد اول)، محمد بن مكي (بی تا). القواعد والفوائد، كتاب فروشى مفيد، محقق: سيد عبدالهادی حكيم، قم: چاپ اول.

عاملی (شهيد ثانی)، زين الدين بن علي (۱۴۱۳). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، چاپ اول.

علاءالدين الكاساني، أبوبكر بن مسعود (۱۹۸۶/۱۴۰۶). بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، بيروت: دار الكتاب العلمية.

القشيري النيسابوري، مسلم بن الحجاج (بی تا). المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه و سلم، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربي.

الكاساني، علاء الدين أبوبكر بن مسعود (۱۴۰۶). بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، بيروت: دار الكتب العلمية.

اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والافتاء (١٣٩٥). «حكم السعي فوق سقف المسعى»، در: مجلة البحوث الإسلامية، العدد الأول، الاصدار: من رجب إلى رمضان.

محمودی، محمدرضا (١٤٢٩). مناسک حج (محشّی)، تهران: نشر مشعر.
مصطفوی، سید محمدکاظم (١٤٢١). مائة قاعدة فقهية، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ چهارم.

المصلح، خالد بن عبدالله (١٤٢٨). الزحام و اثره فی النسک، الرياض: مكتبة دار المنهاج.
مکارم شیرازی، ناصر (١٤٢٦). مناسک جامع حج (مکارم)، قم: انتشارات مدرسة الامام علی بن أبی طالب (ع).

موسوی بجنوردی، سید حسن بن آقا بزرگ (١٤١٩). القواعد الفقهية، قم: نشر الهادی، چاپ اول.
موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا). تحریر الوسيلة، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، چاپ اول.
نجفی، محمدحسن (بی تا). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ هفتم.

نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (١٤١٧). عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

نوی شافعی، أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف (بی تا). المجموع شرح المهذب (مع تکملة السبکی والمطیعی)، بیروت: دار الفکر.

وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت (١٤٠٤/١٤٢٧). الموسوعة الفقهية الكويتية، الطبعة الثانية، دار السلاسل - الكويت، الأجزاء ٢٤ - ٣٨: الطبعة الأولى، مطابع دار الصفوة - مصر، الأجزاء ٣٩ - ٤٥: الطبعة الثانية، طبع الوزارة.

هيئة كبار العلماء (١٤٢٥/٢٠٠٤). «قرار هيئة كبار العلماء»، أبحاث هيئة كبار العلماء، السعودية: بی نا، ج ١.
اليمنى الشافعی العمرانی، أبو الحسین یحیی بن أبی الخیر بن سالم (١٤٢١/٢٠٠٠). البيان فی مذهب الامام الشافعی، تحقیق: قاسم محمد النوری، جدة: دار المنهاج.